

## حقوق بین الملل و حمایت از تأسیسات هسته‌ای در برابر حملات مسلحانه

نویسنده: صالح رضایی

### چکیده

حملة مسلحانه دولتها به تأسیسات هسته‌ای یکدیگر و احتمال حمله گروههای تروریستی به این گونه مراکز، موضوعی است که در پی حمله دولت اسرائیل به تأسیسات اتمی عراق و حمله دولت عراق به تأسیسات اتمی بوشهر، جامعه بین‌المللی را متوجه این تهدید کرده و آن را به موضوعی نوین در مباحث حقوق بین‌الملل بدل ساخته است. نویسنده با امعان نظر به تازگی مطلب، سعی کرده است به فراخور توان، مسئله را از لابلای اسناد بین‌المللی و رویه دولتها به بحث بگذارد.

\*\*\*

### مقدمه

فن‌آوری اتمی، به موازات مزایا و فواید خود، خطرات و زیانهای را نیز برای جوامع بشری و محیط زیست دارد. انفجار تأسیسات و تجهیزات مختلف هسته‌ای و نشت و انتشار مواد پرتوزا از آنها، از جمله این خطرات و زیانهاست که همواره سلامت بشریت و محیط زیست او را تهدید می‌کند. زیانها و خسارتهایی که بشریت در نتیجه انفجار تأسیسات هسته‌ای ممکن است متحمل شود در بلند مدت بسیار گسترده و زیاد پیش‌بینی شده است. تحقیقاتی که در خصوص آثار و پیامدهای انفجار نیروگاه هسته‌ای چرنوبیل (شوروی سابق، ۱۹۸۶) انجام شده حاکی از آن است که تلفات و خسارتهای ناشی از آن سرانجام از خسارات و تلفات جنگ جهانی دوم بیشتر خواهد بود.<sup>(۱)</sup>

وقوع سیل، طوفان و زلزله از جمله عوامل طبیعی بشمار می‌آیند که ممکن است

۱- در این زمینه رجوع کنید به نجم‌الدین مشکوتی، "مسئولیت خطیر و حیاتی سازمان ملل و نقش جدید آن در تضمین ایمنی نیروگاههای اتمی"، مجله سیاست خارجی سال نهم، شماره ۳ پائیز ۱۳۷۴ ص ۱۳۷۱.

موجب وقوع حادثه (انفجار) در تأسیسات و تجهیزات هسته‌ای شوند. حمله مسلحانه دولتها و گروههای تروریستی به تأسیسات هسته‌ای و وقوع انفجار خطر دیگری است که امنیت و ایمنی تأسیسات و تجهیزات اتمی را تهدید می‌کند. خطر اخیر، به دنبال حمله مسلحانه هواپیماهای اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای عراق در تموز (سال ۱۹۸۰) بیشتر دولتهای جامعه بین‌المللی را نگران کرده است. با عطف به خطرات و تهدیدات بالقوه فوق، سؤال این است که آیا حقوق بین‌الملل به عنوان نهادی که مسائل و موضوعات مبتلا به جامعه بین‌المللی را به نظم می‌کشد، به منظور پیشگیری از وقوع حوادث مذکور، قواعد و مقرراتی را مقرر کرده است؛ به عبارت دیگر، آیا در نظام حقوق بین‌الملل، تدابیر حقوقی هست که وقوع انفجار و حوادث در تأسیسات هسته‌ای را پیشگیری کند و یا به حداقل ممکن برساند و حمله مسلحانه دولتها و گروههای تروریستی به تأسیسات و تجهیزات دولتهای دیگر را ممنوع کند؟

آنچه که مقاله حاضر در صدد پرداختن به آن است، پاسخ به قسمت اخیر سؤال بالاست. به عبارت دیگر مقاله حاضر می‌خواهد به این سؤال پاسخ دهد که آیا در حقوق بین‌الملل، قواعد و مقررات الزام‌آوری وجود دارد که از امنیت تأسیسات و تجهیزات هسته‌ای در برابر حملات مسلحانه دولتها و گروههای تروریستی حمایت کند. پاسخ به قسمت اول سؤال، موضوع دیگری است که امکان پرداختن به آن در اینجا میسر نیست و پاسخ به آن، بررسی مستقلی را می‌طلبد. با این حال به این مقدار بسنده می‌کنیم و بیان می‌داریم که استقرار نظامی از قواعد جهت پیشگیری از وقوع انفجارها و حوادث هسته‌ای بر اثر عوامل طبیعی (زلزله، سیل، طوفان و...) در اسناد بین‌المللی دیگری مورد توجه قرار گرفته است. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به عنوان مهمترین نهاد بین‌المللی صالح در زمینه مسائل و موضوعات هسته‌ای، از همان ابتدای تأسیس خود (۱۹۶۷) موضوع بالا (ایمنی تأسیسات هسته‌ای) را در دستور کار خود قرار داد و دستورالعملها و توصیه‌نامه‌های عدیده‌ای را تصویب و صادر کرد و معاهدات جهانی الزام‌آوری را در زمینه پیشگیری از وقوع حوادث هسته‌ای و استقرار نظام ایمنی هسته‌ای در سطح ملی و جهانی مدون و منعقد ساخت ... (۱)

۱- صالح رضایی پیش رباط: «تاملی بر عهدنامه‌ها و معاهدات هسته‌ای: عهدنامه ایمنی هسته‌ای» بخش اول،

خطر حمله مسلحانه علیه تأسیسات هسته‌ای و ضرورت تدوین قواعد بین‌المللی الزام‌آور جهت پیشگیری از آن برای اولین بار در سال ۱۹۷۷ مورد توجه قرار گرفت. در این سال پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، با همت و تلاش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تدوین و انعقاد یافت. <sup>(۱)</sup> پروتکل‌های الحاقی مذکور که هم‌اکنون لازم‌الاجرا هستند، ضمن مقررات خود، حمایت از امنیت تأسیسات هسته‌ای را در زمان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و داخلی مورد توجه قرار داده و قواعد و مقرراتی را در حمایت از آنها مقرر کرده‌اند. مطابق مقررات پروتکل‌های بالا دولتها و گروه‌های درگیر تخاصم، متعهد شده‌اند که در زمان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و داخلی از حمله نظامی و مسلحانه به تأسیسات هسته‌ای خودداری کنند و آنها را جزء هدفهای نظامی خود قرار ندهند...

حمله هواپیماهای اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای عراق در ۷ ژوئن ۱۹۸۱ و حمله مسلحانه رژیم عراق به تأسیسات هسته‌ای ایران در بوشهر (۲۴ فروردین ۱۳۶۳) مسئله امنیت تأسیسات هسته‌ای و ضرورت حمایت از آنها در برابر حملات نظامی و مسلحانه را بیش از پیش مطرح ساخت. در پی حملات مذکور، محافل و نهادهای بین‌المللی، بویژه سازمان ملل و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، موضوع را در دستور کار خود قرار دادند و ضمن محکوم کردن حملات مسلحانه به تأسیسات هسته‌ای، ضرورت تدوین مقرراتی جامع و صریح را جهت حمایت از تأسیسات هسته‌ای در برابر حملات مسلحانه احتمالی، مورد تأکید قرار دادند. سازمانهای بین‌المللی مذکور (سازمان ملل و آژانس) برای چند سال، مسئله حملات مسلحانه به تأسیسات هسته‌ای، ضرورت تدوین مقرراتی جامع و صریح را جهت حمایت از تأسیسات هسته‌ای در برابر حملات مسلحانه احتمالی، مورد تأکید قرار دادند و قطعنامه‌هایی را پیرامون آن صادر کردند. <sup>(۲)</sup>

مقاله حاضر در صدد است که با بررسی مقررات پروتکل‌های ۱۹۷۷ و سایر اقدامات و مقررات بین‌المللی، میزان حمایت از تأسیسات هسته‌ای و نیز مشروعیت اقدامات و

فصلنامه انرژی هسته‌ای شماره ۱۴ تابستان ۱۳۷۷، سازمان انرژی اتمی ایران صص ۲۳-۳۲.

1- The International Law of Nuclear Energy, edited by Mohamed M. Elbaradei Edwin L. Nwogugo and John M. Rames, Martinus Nijhoff Publishers 1993.p.p 1437-1443.

2- Year book of the united Nations organization 1981-p.p.52-54.

حملات مسلحانه علیه تأسیسات هسته‌ای را مورد ملاحظه قرار دهد. از آنجا که تأسیسات هسته‌ای دولت ایران در جریان جنگ تحمیلی چندین بار مورد حمله مسلحانه قرار گرفت و هم اکنون نیز (تأسیسات هسته‌ای آن) از جانب برخی دولت‌ها به حمله مسلحانه تهدید می‌شود، بررسی موضوع، صرف‌نظر از جوانب نظری آن، به لحاظ عملی و کاربردی نیز ضروری و مفید می‌نماید.

### فصل اول: حمایت از تأسیسات هسته‌ای در زمان مخاصمانه مسلحانه

به طوری که اشاره شد، ضرورت حمایت از تأسیسات هسته‌ای در برابر حملات مسلحانه برای اولین بار در مقررات پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (۱۹۷۷) که حقوق مخاصمانه مسلحانه را مقرر می‌دارد، پیش‌بینی گردید. در مقررات پروتکل‌های مذکور آمده است که تأسیسات هسته‌ای دولت‌های متخاصم در زمان جنگ و درگیریهای مسلحانه بایستی از مصونیت برخوردار شوند و نباید مورد حمله نظامی و مسلحانه طرفین واقع گردند. تا این تاریخ، هیچ سند حقوقی بین‌المللی، مصونیت و امنیت تأسیسات هسته‌ای را در برابر حملات نظامی و مسلحانه صریحاً مورد ملاحظه قرار نداده بود. اما این بدان معنا نبود که حمله نظامی و مسلحانه دولت‌ها به تأسیسات هسته‌ای دولت‌های دیگر، مجاز تلقی می‌شد و مستلزم هیچ نوع ممنوعیت و یا محدودیتی نبود. اصول ممنوعیت توسل به زور (بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد)<sup>(۱)</sup> منع آلودگی و تخریب محیط زیست<sup>(۲)</sup>، اصولی بودند که تا آن تاریخ شکل گرفته بودند و حملات نظامی و مسلحانه به تأسیسات هسته‌ای را منع می‌ساختند. صراحت اطلاق اصل منع توسل به زور در روابط بین‌الملل موجب شده بود که تا آن موقع علی‌رغم اهمیت موضوع، ضرورت تدوین مقررات صریحی که حمله به تأسیسات هسته‌ای را به طور مطلق و کلی منع سازند، احساس نگردد.

علی‌رغم ممنوعیت توسل به زور و جنگ در منشور سازمان ملل متحد در سال

۱. محمدرضا، ضیائی بیگدلی، "حقوق جنگ"، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ اول. تهران ۱۳۷۲، ص

۱۹۴۵، جنگ و درگیریهای مسلحانه بین دولتها در عمل اتفاق افتاد و جان هزاران انسان بی‌گناه را ستاند. به منظور کاهش شدت آلام جنگ و به نظم درآوردن نحوه جنگیدن، در سال ۱۹۴۹ کنوانسیونهای چهارگانه ژنو، با تلاش و همت کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تدوین و جهت تصویب دولتها ارائه گردید. کنوانسیونهای مذکور قلمرو مخاصمه و جنگ دولتهای متخاصم را محدود ساختند و حقوق و مصونیتهایی را برای غیر نظامیان و مجروحین و اسرا در زمان درگیریهای مسلحانه مقرر داشتند. به مرور زمان کاستیها و خلأهای حقوقی کنوانسیونهای مذکور آشکار شد و ضرورت تدوین مقررات جدید برای برطرف کردن آنها احساس گردید. پروتکل‌های ۱۹۷۷ الحاقی به کنوانسیونهای ژنو، که هم اکنون برای متجاوز از یکصد دولت الزام‌آورند، در جهت رفع ضرورتها و خلأهای موجود، تدوین و تصویب شدند.<sup>(۱)</sup> ضرورت حمایت از تأسیسات هسته‌ای در طول مخاصمات مسلحانه داخلی و بین‌المللی، از جمله مسائلی بودند که در پروتکل‌های الحاقی یاد شده مورد توجه قرار گرفتند. ماده ۵۶ پروتکل اول (راجع به حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی) و ماده ۱۵ پروتکل دوم (راجع به حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی) ضرورت و لزوم حمایت از تأسیسات هسته‌ای را در طول مخاصمات مسلحانه مورد تأکید قرار دادند و دولتها و طرفین متخاصم را به عدم حمله نظامی به تأسیسات مذکور ملزم کردند. ماده ۱۵ پروتکل دوم تکرار مقررات ماده ۵۶ است و تنها تفاوتی که با ماده ۵۶ دارد، این است که قابلیت اعمال مقررات آن (ماده ۱۵) در زمان مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی است و علاوه بر دولتهای متخاصم، گروههای متخاصم غیر دولتی را نیز به رعایت قاعده «ممنوعیت حمله به تأسیسات هسته‌ای» ملزم می‌سازد. بدین توضیح که مطابق ماده ۱۵ چنانچه جنگ داخلی در کشوری اتفاق افتد، همه گروههای متخاصم (اعم از دولت یا گروههای شورشی غیر دولتی) ملزم به رعایت مقررات و عدم حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای خواهند بود. انعقاد پروتکل دوم الحاقی و تنظیم مقررات جنگهای غیر بین‌الملل و داخلی در تاریخ حقوق بین‌الملل نوآوری محسوب می‌شود، زیرا علاوه بر دولتها، برای گروههای

1- Anton Schlogel, "Geneva Red Cross Conventions and Protocols". *Encyclopedia of Public International Law* 1984 Vol 3 p.p. 188-190.

متخاصم غیر دولتی نیز، در جریان مخاصمات مسلحانه، تعهدات و تکالیفی مقرر می‌دارد.<sup>(۱)</sup> با انعقاد پروتکل مذکور، گروه‌های متخاصم غیر دولتی دیگر نمی‌توانند به بهانه اینکه تابع حقوق بین‌الملل نیستند، از رعایت مقررات بشردوستانه طفره روند. بجز تفاوت مذکور، برخی تفاوتها نیز بین مقررات ماده ۵۶ و ۱۵ وجود دارد که در طول بررسی و در صورت اقتضا به آنها اشاره خواهیم کرد.

### گفتار اول: تأسیسات هسته‌ای مشمول حمایت

تأسیسات هسته‌ای به تجهیزات و ساختمانهایی اطلاق می‌شود که در آنها مواد رادیواکتیویته تولید، فرآوری، استفاده و ذخیره می‌گردد. سؤالی که در اینجا می‌توان مطرح کرد این است که چه نوع تأسیساتی (هسته‌ای) مشمول حمایت پروتکلها قرار دارد؟ آیا تمام تأسیسات هسته‌ای از حمایت‌های اعطایی برخوردار بوده و در برابر حملات مسلحانه مصون هستند یا اینکه تنها تأسیسات هسته‌ای معینی مشمول حمایت‌اند؟ مواد ۵۶ پروتکل اول و ۱۵ پروتکل دوم، پاسخ سؤالات فوق را روشن کرده‌اند. به موجب مواد بالا، تنها «ایستگاههای تولید برق هسته‌ای» مشمول حمایت گردیده و در برابر حملات نظامی و مسلحانه مصون شده‌اند.<sup>(۲)</sup> تأسیسات هسته‌ای دیگر، از قبیل تأسیسات غنی‌سازی، سوخت‌سازی، بازفرآوری، ذخیره سوخت مصرف شده، و پسماندها و رآکتورهای تحقیقاتی، مشمول حمایت‌های مقرر در پروتکلها واقع نشده و امنیت آنها در برابر حملات مسلحانه و نظامی تضمین نگردیده است. عدم حمایت از تأسیسات نوع اخیر، نقص و خلأ اساسی تلقی می‌شود و ضروری است که این مشکل در اسناد حقوقی بعدی مرتفع گردد.

مصونیت تأسیسات هسته‌ای ناتمام در مقابل حملات نظامی و مسلحانه، موضوع دیگری است که باید در این قسمت مورد ملاحظه قرار گیرد. به عبارت دیگر، باید به این سؤال نیز پاسخ داد که آیا تأسیسات هسته‌ای ناتمام، مشمول حمایت‌های مقرر در پروتکلها واقع می‌شوند؟ بحث در خصوص این مسئله به دنبال حمله نظامی عراق به تأسیسات

1- Michael B. Aleshurst, "Civil War", *Encyclopedia of Public International Law* 1984 Vol 3 p.p. 88-93.

2- Mohamed Elbaradei *Op cit* p.p 1437 - 1443.



بوشهر در سال ۱۳۶۳ مطرح شد. در پی این واقعه، نماینده ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اظهار داشت که حمله مسلحانه و نظامی هواپیماهای عراق به نیروگاه اتمی بوشهر ناقض مقررات بین‌المللی، (بویژه مقررات مواد ۵۶ و ۱۵ پروتکل‌های ۱۹۷۷ و قطعنامه‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی) بشمار می‌آید.<sup>(۱)</sup> اما آژانس، در مقابل استدلال کرد که مقررات پروتکل مذکور نمی‌تواند حاکم بر موضوع باشد؛ زیرا نیروگاه اتمی بوشهر ناتمام بود و مواد هسته‌ای در آن وجود نداشت که تحت نظارت‌های آژانس واقع بشود. در نامه‌ای که دبیرکل وقت آژانس، هانس بلیکس به رئیس وقت سازمان انرژی اتمی ایران نوشت، آمده بود، «...با در نظر گرفتن ماده ۵۶ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و قطعنامه ۴۰۷ کنفرانس عمومی آژانس (تمام حملات مسلحانه علیه تأسیسات هسته‌ای که برای اهداف صلح‌جویانه در نظر گرفته شده‌اند، بایستی صریحاً ممنوع گردد...)، استنباط من این است که نیروگاه هسته‌ای بوشهر تکمیل نشده است و لذا امکان آزاد شدن خطرناک مواد هسته‌ای در حال حاضر در آن وجود ندارد...»<sup>(۲)</sup>

در توضیح نظر دبیرکل آژانس باید گفت که آن قسمت از استدلال‌های آژانس که بر آن است که تنها آن دسته از تأسیسات هسته‌ای مشمول حمایت قرار می‌گیرند که در آنها مواد هسته‌ای وجود داشته باشد و امکان نشت و انتشار آنها برود، به نظر منطبق با مقررات مواد ۵۶ و ۹۱۵ پروتکل‌های الحاقی است، زیرا فلسفه وضع مقررات بالا این بوده است که با حمایت از تأسیسات متضمن مواد هسته‌ای، از نشت و انتشار مواد پرتوزا و سرانجام آلودگی محیط زیست جلوگیری به عمل آورند؛ بنابراین آن دسته از تأسیسات هسته‌ای که هنوز ناتمام‌اند و مواد هسته‌ای در آنها موجود نیست، مقتضی حمایت نمی‌شده است. آژانس این خلأ را بعدها مورد توجه قرار داد و در قطعنامه‌های بعدی خود حمایت از تأسیسات هسته‌ای ناتمام را نیز ضروری و لازم دانست.<sup>(۳)</sup>

در خاتمه این بحث باید به این نکته نیز اشاره کرد که پروتکل اول الحاقی، حملات

۱- اطلاعات، ۱۴ اسفند ۱۳۶۳، و کیهان ۲۷ آبان ۱۳۶۶.

۲- نامه دبیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، هانس بلیکس به عنوان ریاست سازمان انرژی اتمی ایران پس از حمله موشکی عراق به نیروگاه بوشهر.

3- Resolutions and other Decisions of The General Conference, I.A.E.A, 1990.

مسلحانه به تأسیساتی را که در اطراف و مجاورت تأسیسات هسته‌ای قرار گرفته‌اند، ممنوع کرده است؛ ذیل بند ۱ ماده ۵۶ تصریح کرده است که حمله به تأسیسات مجاور «ایستگاههای تولید برق هسته‌ای» نیز چنانچه موجب آسیب به تأسیسات هسته‌ای و آزاد شدن «نیروهای خطرناک» بشود، ممنوع است.

### گفتار دوم: زوال مصونیتها و حمایتها

حمایت از «ایستگاههای تولید برق هسته‌ای»، مطلق و بدون قید و شرط نیست. اعطای حمایتها به تأسیسات تولید برق هسته‌ای، منوط به رعایت آن شرایط است و در صورت تخلف، حمایتهای اعطا شده از بین خواهد رفت. بر طبق بند ۲ ماده ۵۶ پروتکل اول، تحت شرایطی حمایتهای اعطا شده در بند ۱ متوقف خواهد شد و حمله مسلحانه به آنها جایز خواهد بود.

مطابق قسمت الف بند ۲ ماده ۵۶ پروتکل اول، اگر ایستگاههای تولید برق هسته‌ای برای اهداف و مصارفی غیر از مصارف و کاربردهای طبیعی و معمولیشان مورد استفاده قرار گیرند و در نتیجه موجب حمایت مستقیم و مهم از عملیات نظامی بشوند، حمله به آنها مجاز و قابل توجیه خواهد بود. فرضاً اگر محل نیروگاه هسته‌ای دولت متخاصم به مرکز مهمات و تدارکات نظامی تبدیل شود و نقش مهمی در حمایت مستقیم و مهم عملیات نظامی و نیروهای نظامی داشته باشد، در آن صورت نیروگاه هسته‌ای از کارکرد و نقش عادی و معمولیش منحرف شده محسوب می‌گردد و حمایت از آن در برابر حملات نظامی و مسلحانه منتفی می‌شود. البته یادآوری این نکته نیز ضروری است که پروتکل، سلب حمایتهای اعطا شده و حمله به چنین تأسیساتی را در چنین شرایطی در صورتی جایز می‌داند که حمله نظامی و مسلحانه به آنها تنها راه قطع حمایتها و پشتیبانیها باشد. بنابراین مفهوم مخالف آن این است که اگر راه دیگری برای قطع حمایت وجود داشته باشد، حمله به «ایستگاههای تولید برق هسته‌ای» تحت وضعیت فوق، همچنان مجاز نیست.

وضعیت دیگر زمانی است که «ایستگاههای تولید برق هسته‌ای» با فراهم آوردن و تأمین برق نیروهای نظامی موجب حمایت منظم و مهم از عملیات نظامی بشوند. در این



وضعیت نیز حمایت‌های اعطا شده از بین می‌رود و حمله به آنها مجاز شناخته می‌شود. بنابراین، در جریان مخاصمات مسلحانه چنانچه نیروگاه هسته‌ای یکی از طرفین متخاصم در خدمت ارتش و عملیات نظامی آن باشد، نمی‌تواند مصون از حملات مسلحانه و نظامی دشمنی تلقی گردد. البته همانند وضعیت اول، حمله به «ایستگاه‌های تولید برق هسته‌ای» در چنین وضعیتی تنها زمانی جایز شناخته شده است که تنها راه ممکن برای خاتمه دادن به عملیات نظامی باشد. در خاتمه این قسمت باید خاطر نشان کرد که تأسیسات و مراکز غیر هسته‌ای که در مجاورت «ایستگاه‌های تولید برق هسته‌ای» واقع شده‌اند، چنانچه از ارتش و عملیات نظامی آنها پشتیبانی کنند و حمله به آنها تنها راه ممکن برای قطع حمایت باشد، فاقد مصونیت و تعرض ناپذیری در برابر حملات مسلحانه دولت متخاصم خواهند بود.

#### گفتار سوم: تعهدات دولتها

در جهت حمایت بیشتر از تأسیسات هسته‌ای تولید برق، بندهای ۵ تا ۷ ماده ۵۶ پروتکل اول، تعهداتی را برای طرفین پروتکل مقرر کرده است. این تعهدات عبارت‌اند از (۱) عدم استقرار تدارکات نظامی در مجاورت تأسیسات هسته‌ای؛ (۲) فراهم آوردن حمایت‌های بیشتر (۳) علامتگذاری تأسیسات هسته‌ای.

(۱) عدم استقرار تدارکات نظامی در مجاورت تأسیسات هسته‌ای

طبق بند ۵ ماده ۵۶، دولتهای عضو پروتکل نمی‌توانند در مجاورت یا حوالی «ایستگاه‌های تولید برق هسته‌ای» اقدام به قرار دادن و استقرار ادوات و تدارکات نظامی کنند. مطابق این بند، دولتها حتی الامکان سعی خواهند کرد در اطراف تأسیسات هسته‌ای مورد حمایت، از توسل به اقداماتی از قبیل ساختن پادگانهای نظامی، ایجاد انبارهای مهمات و اهداف نظامی دیگر خودداری ورزند. هدف از قید این مقرره آن است که تا حد مقدور مشکلات ناشی از تعارض اصل ضرورت‌های نظامی و اصل امنیت تأسیسات هسته‌ای صلح جویانه را برطرف سازد و تا آنجا که امکان دارد با پیشگیری از حملات مسلحانه به تأسیسات هسته‌ای و جلوگیری از انفجار آنها، مانع تخریب محیط زیست و ورود آسیب و زیان به افراد غیرنظامی بشود. نکته دیگر در این مورد آن است که

ممنوعیت استقرار تدارکات و وسائل نظامی در اطراف تأسیسات، مورد حمایت مطلق نیست؛ ذیل بند ۵ مقرر شده است که چنانچه وسائل و تدارکات نظامی صرفاً جنبه تدافعی داشته باشد، در آن صورت استقرار آنها بلامانع خواهد بود.

(۲) فراهم آوردن حمایت‌های بیشتر

ماده ۵۶ پروتکل اول، در مورد امنیت «ایستگاه‌های تولید برق هسته‌ای» حمایت‌های کلی را پیش‌بینی کرده و حمایت‌های بیشتر را به توافقات و ترتیبات بعدی دولتهای عضو موکول کرده است. بند ۶ ماده ۵۶ مقرر می‌دارد که اعضای معظم متعاقد، ملزم هستند که با انعقاد توافقنامه‌های متعدد میان خودشان، حمایت‌های بیشتر را از وسائلی که متضمن نیروهای خطرناک\*، از جمله ایستگاه‌های تولید برق هسته‌ای هستند، فراهم آورند. به طوری که پیداست، اعطای حمایت‌های بیشتر به تأسیسات هسته‌ای در برابر حملات مسلحانه و نظامی دشمن به توافقات و سازش‌های بعدی دولتهای عضو پروتکل موکول شده است.

سؤالی که به لحاظ حقوقی در مورد بند ۶ ماده مذکور مطرح می‌شود این است که ماهیت حقوقی مقررات پیش‌بینی شده در آن چیست؟ مطابق بند مذکور آیا دولتهای عضو پروتکل به انعقاد توافقنامه‌های دو جانبه یا چند جانبه بعدی یا به عبارت دیگر به (Pactum de Contrabendo)<sup>(۱)</sup> متعهد شده‌اند یا نه؟ به این نحو که آیا عدم انعقاد توافقنامه‌های بعدی، نقض تعهد پروتکل محسوب می‌شود و مسئولیت بین‌المللی متخلف را در پی خواهد داشت یا خیر؟ به نظر می‌آید که مقررات پیش‌بینی شده در بند فوق، «تعهد به انعقاد توافقنامه» یا Pactum de contrabendo تلقی نمی‌شود و تنها جنبه نزاکتی دارد.

(۳) علامتگذاری تأسیسات هسته‌ای

مطابق بند ۷ ماده ۵۶، به منظور تسهیل شناسایی «ایستگاه‌های تولید برق هسته‌ای» از سایر تأسیسات در جریان مخاصمات، دولتهای عضو پروتکل می‌بایست ایستگاه‌های

\* dangerous Forces

1- Ulrich Beyrlin, "Pactum de contrabendo and Pactum de negociem do", *Encyclopedia of Pelolic International Law*. Vol 7 p.p. 371-6.

مزبور را با علامتها و رنگهای مخصوص نشانه‌گذاری کنند. پروتکل با ذکر رنگ مورد نظر، از دولتها می‌خواهد که مطابق ضمیمه یک پروتکل، ایستگاههای تولید برق هسته‌ای را با علامت سه دایره نارنجی رنگ که در یک خط موازی قرار گرفته باشند، نشانه‌گذاری کنند. سؤالی که در اینجا ممکن است به ذهن خطور کند، این است که اگر دولتی تأسیسات هسته‌ای مذکور را علامتگذاری نکند، حمله مسلحانه و نظامی دولت دیگر به آن تأسیسات در جریان مخاصمات، قابل توجیه است؟ ذیل بند مذکور پاسخ به این سؤال را منفی دانسته و مقرر کرده است که عدم علامتگذاری ایستگاههای تولید برق هسته‌ای، تعهد دولتها را مبنی بر عدم حمله نظامی و مسلحانه به ایستگاههای مذکور مبرا نمی‌سازد.

#### فصل دوم: به سوی تدوین مقررات جامع

ناکافی بودن مقررات پروتکل‌های ۱۹۷۷ و وقوع برخی وقایع (حمله اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای عراق و حمله نظامی عراق به تأسیسات هسته‌ای ایران در اوایل دهه ۱۹۸۰) موجب گردید که ضرورت تدوین مقررات جامع جهت منع حمله مسلحانه به تأسیسات هسته‌ای، مورد توجه جدی محافل بین‌المللی و دولتها قرار گیرد. سازمان ملل متحد و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (مهمترین نهاد بین‌المللی ذی‌ربط در مسائل هسته‌ای) ضمن قطعنامه‌های خود، حمله مسلحانه به تأسیسات هسته‌ای را محکوم کرده و بر مصونیت و امنیت تأسیسات هسته‌ای در برابر حملات مسلحانه و سایر تهدیدات تأکید کرده‌اند. به دنبال حمله هوایی اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای عراق در ژوئن ۱۹۸۱، شورای امنیت سازمان ملل در یک واکنش مقتضی و در جهت حمایت از امنیت تأسیسات هسته‌ای، با تصویب قطعنامه ۴۸۷، حمله هوایی اسرائیل را محکوم کرد و از آن دولت خواست که از توسل به حملات مشابه در آینده خودداری ورزد. قطعنامه مذکور، حمله به تأسیسات هسته‌ای صلح جویانه را ناقض مقررات منشور ملل متحد و اصل حق استفاده صلح جویانه از فن‌آوری اتمی تلقی و اسرائیل را مسئول جبران تمام خسارتهای وارده قلمداد کرد.<sup>(۱)</sup> مجمع عمومی سازمان ملل نیز حمله مسلحانه اسرائیل

1- Jeffrey M. Elliot & Robert Reginald, "The Arms Control, Disarmament and Military Security

به تأسیسات هسته‌ای عراق را محکوم کرد (قطعنامه ۳۷/۱۸ مصوب ۱۸ نوامبر ۱۹۸۲) و از دولتها خواست که همه تلاشهای خود را جهت تدوین و انعقاد معاهده بین‌المللی الزام آور در خصوص منع حملات مسلحانه به تأسیسات هسته‌ای صلح جویانه به کار بندند. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هم به سهم خود حمله هوایی اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای عراق را ناقض مقررات بین‌المللی تلقی و محکوم کرد و در قطعنامه‌های مختلف خود، ضرورت امنیت و مصونیت تأسیسات هسته‌ای را در برابر حملات مسلحانه مورد تأیید قرار داد. آژانس در آخرین قطعنامه خود، که در سال ۱۹۹۰ صادر شد، (قطعنامه ۵۳۳ XXIV) علاوه بر تأسیسات هسته‌ای در حال کار، امنیت تأسیسات هسته‌ای در حال ساخت را نیز مورد تأکید قرار داد.<sup>(۱)</sup> این مسئله در نوع خود نوآوری بود، زیرا تا آن تاریخ، ممنوعیت حمله مسلحانه به تأسیسات هسته‌ای، تنها تأسیسات هسته‌ای در حال کاری را شامل می‌گردید که مواد هسته‌ای در آنها مورد استفاده قرار می‌گرفت. خلأ حقوقی که بر طبق قطعنامه اخیر پر شد، در جریان حمله نظامی عراق به نیروگاه اتمی بوشهر مشهود بود. در این قضیه علی‌رغم پیگیریهای جدی مقامات و مسئولین ایران به علت وجود پاره‌ای از خلأهای حقوقی، تلاشهای کشورمان به نتایج مثبتی منتهی نگردید. استدلال آژانس بین‌المللی انرژی اتمی این بود که مطابق حقوق بین‌المللی موجود (از جمله پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیونهای ژنو و قطعنامه‌های سازمان ملل)، حمله به نیروگاه اتمی بوشهر، حمله مسلحانه به تأسیسات هسته‌ای صلح جویانه تلقی نمی‌شود، زیرا نیروگاه بوشهر ناتمام بود و در آن مواد هسته‌ای مورد استفاده وجود نداشت و لذا احتمال نشت و انتشار مواد رادیواکتیویته نیز نمی‌توانست وجود داشته باشد.

در قطعنامه اخیر، کنفرانس عمومی آژانس ضمن تأکید بر قطعنامه‌های ۴۴۴ و ۴۷۵ خود مقرر داشته است که حملات مسلحانه علیه تأسیسات هسته‌ای صلح آمیز در حال کار و در حال ساخت، حق توسعه انرژی هسته‌ای و استفاده‌های صلح جویانه از فن آوری اتمی را به مخاطره می‌اندازد. قطعنامه ۱۹۹۰ کنفرانس عمومی آژانس، اشعار داشته است که حمله مسلحانه به چنین تأسیساتی از جمله بحرانه‌ها و وضعیتهایی است که

*Dichonary*, Santa barbara. oxford 1989 p. 225.

شورای امنیت می‌بایست بر اساس منشور، اقداماتی را علیه دولت یا دولت‌های حمله‌کننده اتخاذ کند. کنفرانس عمومی آژانس در این قطعنامه با درک ضرورت و اهمیت مسئله از دولت‌های عضو کنفرانس خلع سلاح خواسته است که با فایق آمدن بر اختلاف نظرات خود، زمینه‌های انعقاد هر چه فوری موافقتنامه بین‌المللی راجع به ممنوعیت حمله مسلحانه به تأسیسات هسته‌ای صلح جویانه را فراهم آورند.

### نتیجه‌گیری

حمله مسلحانه به تأسیسات هسته‌ای صلح جویانه از جمله مهمترین خطراتی است که امنیت تأسیسات مذکور و نهایتاً آرامش خاطر جهانیان را تهدید می‌کند. انفجار تأسیسات هسته‌ای به لحاظ خطر جدی که می‌تواند برای محیط زیست جهان داشته باشد، از همان ابتدا مورد توجه جامعه بین‌المللی بود، لکن اقدامات جدی و عملی به تناسب خطر بالقوه‌ای که چنین تأسیسات هسته‌ای می‌تواند داشته باشد، انجام نگرفته است. در مورد امنیت تأسیسات هسته‌ای در برابر حمله مسلحانه و نظامی، هر چند که برخی از قواعد عام حقوق بین‌الملل از قبیل منع توسل به زور علیه کشورها و منع تخریب و آلوده‌سازی محیط زیست حمایت‌هایی را اعطا کرده و محدودیتهایی را در حمله مسلحانه به آنها به وجود آورده است، لکن نظر به قابل تفسیر بودن این قواعد و وجود برخی از قواعد دیگر (قواعد مربوط به دفاع مشروع) و این حقیقت که قواعد کلی مزبور، حمله مسلحانه به تأسیسات هسته‌ای صلح جویانه را صریحاً ممنوع نکرده است، لذا در مورد حمایت از تأسیسات فوق خلأهای حقوقی بخوبی آشکار است.

مقررات پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو نیز آنکه با محدودیتهایی را ایجاد و حمایت‌هایی را اعطا می‌کنند، لکن نواقص و خلأهایی دارند. این پروتکلها تنها در زمان مخاصمات مسلحانه قابل اعمال هستند و تنها از تأسیسات هسته‌ای که تولید برق می‌کنند، حمایت به عمل می‌آورند. این در حالی است که سایر تأسیسات هسته‌ای در حال کار و تأسیسات هسته‌ای ناتمام نیز حمایت‌های مقتضی را می‌طلبند.

قطعنامه‌هایی که برخی از سازمان‌های بین‌المللی در حمایت از امنیت تأسیسات هسته‌ای به تصویب رسانده‌اند، هر چند دلالت بر اهمیت امنیت آن تأسیسات از دیدگاه

آن سازمانها دارند، اما باید توجه داشت که قطعنامه‌های سازمانهای بین‌المللی، جز در موارد خاصی الزام‌آور نیستند. قطعنامه‌های سازمانهای بین‌المللی علی‌رغم اینکه می‌توانند موجبات شکل‌گیری منابع حقوق بین‌الملل را فراهم آورند، با وجود این نمی‌توانند به عنوان منبع مستقل حقوق بین‌الملل بشمار آیند. قطعنامه‌هایی که سازمانهای بین‌المللی ذی‌ربط در مورد امنیت تأسیسات هسته‌ای در برابر حملات مسلحانه و ضرورت حمایت از آنها تصویب کرده‌اند، هر چند که می‌توانند به عنوان حقوق غیرقطعی\* و یا حقوق آرمانی\*\* تلقی شوند اما برای تبدیل آنها به حقوق قطعی و لازم‌الاجرا\*\*\* باید اقدامات سیاسی و حقوقی دیگری انجام گیرد.

با عنایت به خلاها و نارساییهای حقوقی موجود، و نظر به ضرورت‌های زیست محیطی در امنیت تأسیسات هسته‌ای و لزوم حمایت از حق استفاده صلح‌جویانه از فن‌آوری اتمی، مقتضی است که مسئله امنیت تأسیسات هسته‌ای، که زمانی در برخی از محافل بین‌المللی (کنفرانس خلع سلاح) مورد ملاحظه واقع شده بود، توجه بیشتر جامعه دولتها را به خود جلب کند. تدوین قواعد و مقررات مفصل و خاصی در قالب یک سند الزام‌آور بین‌المللی که در برگیرنده حمایت کامل از تمام تأسیسات هسته‌ای صلح‌جویانه به طور مطلق (هم‌زمان جنگ و هم‌زمان صلح و نیز تأسیسات هسته‌ای در حال ساخت) باشد، ضروری می‌نماید. در این میان کوشش و تلاشهای دولتها، بویژه دولتهایی که تأسیسات هسته‌ای صلح‌جویانه‌شان مورد حمله مسلحانه دولتهای دیگر قرار گرفته است، در جهت تدوین قواعد و مقررات جامع لازم برای حمایت از تأسیسات هسته‌ای می‌تواند تا حد زیادی در پیشرفت کار موثر واقع گردد.

\* Soft Law

\*\* de Lege frenda

\*\*\* de Lege Lata